

مقدمه

نشانه‌شناسی^۱ به بررسی فرایند پیدایش نشانه‌ها، نحوه دلالت آنها و کاربردشان، تعریف می‌شود. نشانه‌شناسی پیرس دارای ابعاد بسیار وسیعی است و نظر وی در مورد نشانه‌ها را می‌توان یکی از مبانی اصلی کل فلسفه وی دانست. نشانه‌شناسی، با حوزه‌های مختلف از جمله معرفت‌شناسی، فلسفه ذهن، فلسفه به طور عام، علم ارتباطات، علوم اجتماعی و الخ، ارتباط دارد. نشانه پدیده‌ای است که در سایر حوزه‌های زندگی انسان یافت می‌شود. لذا کاربرد آن تقریباً شامل تمام حیطه‌های فکری و اجتماعی انسان می‌شود - لاقلاً در هر جایی که بحث دلالت، و تفهیم و تفهّم چیزی مطرح باشد - به عبارت دیگر، نشانه دارای کاربردهای مختلفی است اما یکی از مهمترین آنها را می‌توان تفهیم شیئی در حوزه نظری یا عملی دانست. از این رو، ساختن و استفاده از نشانه‌های مختلف در سایر حوزه‌های زندگی، یکی از ویژگی‌های انسان است. اما همان‌طور که خواهیم دید، نشانه‌شناسی پیرس را صرفاً نباید به عنوان بخشی از معرفت‌شناسی وی در نظر گرفت، بلکه یکی از مهمترین مبانی فلسفی وی و نگرش او به عالم نیز است.

در فلسفه غرب، هیوم یکی از اولین افرادی است که واژه semeiotike را در سال ۱۶۹۰ در رساله درباره فاهمه بشر به کار برد (Hume, 1690, book 4, chapter 21). قبل از او، هانری ستوبس^۲ در سال ۱۶۷۰ کلمه semiotics به معنای «تفسیر کننده نشانه‌ها»^۱ را برای اشاره به یکی از رشته‌های علم طب مربوط به تفسیر نشانه‌ها بکار برد. در قرنهای ۱۹ و ۲۰ میلادی، فیلسوفان، پژوهشگران و متفکران متعددی به بررسی نشانه‌ها و مسائلی که به آنها مربوط می‌شود، پرداختند. کسانی مانند رولان بارت^۳، آلفراد تارسکی^۴ معانی مختلف نشانه‌ها و روابطی که میان آنها وجود دارد، را بررسی کردند در حالی که افرادی مانند چارلز ساندرز پیرس^۵ بر رابطه میان نشانه‌ها و تفسیرکننده آنها و نیز میان نشانه و عالم خارج تأکید کردند.

1.semiotics

2.Henry Stubbes

3.Roland Barthes

4.Alfred Tarski

5. Charles Sanders Peirce (1839-1914)